



تلاوت‌های ماندگار

یونس باقری - رضایاتی استاد راغب مصطفی غلوش

این شماره:

استاد راغب مصطفی غلوش، روز پنجم جولای ۱۹۳۸ میلادی (۶۹ سال پیش)، در روستای «برمه» مرکز «طنطا» در استان غربی کشور مصر متولد شد. پدرش می‌خواست وی را به تحصیل علوم بفرستد تا صاحب پست مهمی شود، ولی یکی از نزدیکان، حاج مصطفی غلوش را راهنمایی کرد که فرزندش راغب را به یکی از اساتید قرآن بسپارد تا حفظ قرآن را به او بیاموزد. به خاطر اشتیاق دینی شدیدی که در دل اهل روستا مانند حاج مصطفی وجود داشت، او با این نظر موافقت و به راغب گوشزد کرد که هر روز پس از درس به مکتب برود. در مدت کوتاهی، این کودک هشت ساله موضوع گفت‌وگوی اهل روستا، مخصوصاً



اساتید قرآن و حفاظ شد. صدای زیبایش تأثیر به سزایی در شدت اهتمام استادان به او و خیرخواهی و مراقبت دائمی آن‌ها از او داشت؛ چرا که آثار خوبی را در چهره‌ی او می‌دیدند و آینده‌ی روشنی را میان مشاهیر قاریان از وی متوقع بودند. همین موضوع باعث شد که راغب تا قبل از ۱۰ سالگی، موفق شود قرآن کریم را حفظ کند. او بعد از حفظ کامل قرآن، در روستای خود به یادگیری آداب و احکام قرائت قرآن زیر نظر استاد شیخ عبدالغنی شرقاوی پرداخت.

در سن ۱۴ سالگی، ذکر خیر راغب نه تنها به روستاهای هم‌جوار، بلکه تا به شهر طنطا، یعنی جایگاه عالمان هم رسید. در رمضان المبارک سال ۱۹۵۳ م، دعوت‌هایی پشت سرهم، از روستاها و شهرهای نزدیک، از او شد و راغب در سن ۱۵ سالگی، به روستای «محلہ القصب» در استان «کفر الشیخ» دعوت شد. در شرایطی که امواج رقابت بین خبرنگاران کرسی تلاوت در این منطقه، مخصوصاً استان غربی موج می‌زد.

این که چگونه راغب بدین جایگاه بلند نائل شد، خود داستانی شنیدنی دارد.

آنچه قاری جوان مرد و جسور می‌دید و می‌شنید، رقابت‌ها و مسابقاتی که آتش آن را قاری یگانه، استاد مصطفی اسماعیل برافروخته بود، عطش او را به قرائت قرآن به اوج

خود می‌رساند. راغب به درستی دریافت که طالب این راه، فقط با کوشش و مداومت به مقصودش می‌رسد. بنابراین، استادی استوار و متین در علوم قرآن را جست‌وجو می‌کرد تا علم تجوید و قرائات را از او فراگیرد. به شهر طنطا رفت، به مؤسسه‌ی قرائات در مسجد احمدی ملحق شد و مرحوم استاد ابراهیم طبلیهی متولی آموزش او شد. استاد راغب می‌گوید: «من موفق شدم که در منطقه‌ی خودمان، نمونه‌ای عالی از استاد مصطفی اسماعیل باشم. سپس به شهر طنطا رفتم و به دنبال عالم قرائاتی می‌گشتم تا این که یکی از معروفین، مرا به مردی در مؤسسه‌ی احمدی راهنمایی کرد که نامش شیخ ابراهیم طبلیهی بود.

او به من تجوید و احکام درست را آموخت و من نزدش قرائت کردم. استاد مرا ترغیب کرد تا هر روز در مقام احمدی قرائت کنم. مخصوصاً بین اذان و اقامه‌ی عصر، بسیاری اطراف مرا پر می‌کردند و به لطف خداوند در دل بسیاری از مردم راه پیدا کردم؛ مخصوصاً به خاطر این که من از استاد مصطفی در ادای اعجاب‌برانگیز و محبوب حروف قرآن نزد مردم تقلید می‌کردم. من به روستاهای استان غربی دعوت و در استان‌های هم‌جوار هم شناخته شدم. آن چه که مرا کاملاً از خودم مطمئن می‌ساخت، کوشش و

مقاومت، و حرص زیاد و شدید من برای قرائت قرآن کریم و تلاوت همراه با تعهد و تقوا بود.»

راغب مصطفی غلوش توانست، در نوجوانی و قبل از ۱۸ سالگی، به مجد و عظمت برسد. تا این که وظیفه‌ی دفاع از وطن برعهده‌ی او قرار گرفت و برای سربازی و ادای خدمت خوانده شد. در سال ۱۹۵۸ م، درحالی که ۲۰ سال داشت، سربازی را شروع کرد و به مرکز آموزش اداره‌ی امنیت مرکزی فرستاده شد. او می‌گوید: «من که به نیروهای امنیت مرکزی ملحق شده بودم، دائماً به مسجد امام حسین (علیه السلام) تردد می‌کردم و خبر می‌گرفتم تا اگر شد، حتی آیه‌ای در بزرگ‌ترین و مشهورترین مساجد مصر و قاهره قرائت کنم. بر این امر حریص بودم که خود را به مسئولین مسجد معرفی کنم تا شاید برایم فرصتی پیش آید، ده آیه‌ای قرائت کنم یا در مسجد بزرگ اذان بگویم.

عاقبت به مسجد حسینی شیخ حلمی عرفه معرفی شدم و آن چه مقدور بود از قرآن نزدش خواندم. او بسیار از من خوشش آمد... روزی آن چه را در درون داشتم، با صراحت بیان کردم و از او خواستم، بزرگواری کند و به من برای اذان و قرائت قبل از اقامه‌ی نماز، اجازه دهد. او گفت:



راغب، اگر شیخ طه فشنی تأخیر کرد، فرصتی برای تو خواهد بود. من از صمیم قلب از خداوند خواستم که شیخ طه فشنی تأخیر کند. گویی که درهای آسمان به تمامی باز شد و خداوند دعوت مرا اجابت فرمود. شیخ فشنی تأخیر کرد و موعد اذان نزدیک شد. شیخ حلمی به من گفت: آماده باش، و به مسئول مسجد گفت: بگذار راغب اذان بگوید، و مراد در کنار شیخ محمد غزالی نگه داشت. وقت نماز عصر، شیخ مصطفی اسماعیل عبارتی را در آخر اذان اضافه می کرد و می گفت: «... الصلاة والسلام علیک یا نبی الرحمة یا ناشر الهدی یا سیدی یا رسول الله.»

من هم چنان که استاد مصطفی اذان می گفت، اذان گفتم؛ این در حالی بود که لباس سربازی به تن داشتم که نظر مردم را به من جلب می کرد. ماه رمضان بود و صدا در حال روزه، خوب و کشیده و زیبا می شود. من ۱۰ آیه را خواندم و از سوره ی الحاقه هم شروع کردم. جو مسجد منقلب شد تا آن جا که من شبیه خیمه ای وسط میدانی شدم و در قرائت فرورفتم؛ چرا که مردم با گفتن: الله یفتح علیک، یبارک فیک، تانی الآیه، به من شجاعت می بخشیدند. بنا به خواست افراد موجود در مسجد، آیات را بیش از یک بار خواندم و زمان تلاوت به بیش از نیم ساعت رسید.

به پادگان برگشتم، درحالی که شادی ام وصف ناشدنی و اعتماد به نفس از این که مسجد پادگان را در طول مدت خدمت به من واگذار کرده بودند، زیاد شده بود. به من برای خروج از پادگان در هر زمانی، اجازه می دادند. به مسجد امام حسین (علیه السلام) زیاد

رفت و آمد می کردم و به واسطه ی این مسجد شهرت پیدا کردم. از این موضوع خیلی خوشحال بودم، زیرا در مسجدی قرائت می کردم که شیخ محمود خلیل حصری در آن سوره می خواند، شیخ طه فشنی در آن اذان می گفت و دانشمند بزرگوار، استاد غزالی در آن درس می داد و خطبه می خواند. این توفیق عظیمی بود که هر کس در سن من و هر حافظ قرآنی، آن را آرزو داشت.

از مسجد حسینی تا رادیو

در مسجد امام حسین (ع) به بزرگان و مسئولان دولتی شناسانده شدم و ایشان مرا بر قرائت پیش روی جماعت تشجیع کردند و سبب از بین رفتن ترس و وحشت در وجود من شدند. این عامل نیرومند باعث شد، دعوت برای احیای مجالس حزن و ماتم در قاهره را بپذیرم. در آن مجالس، با مشاهیر قاریان رادیو، مانند استاد مصطفی اسماعیل، استاد عبدالباسط، استاد حصری و... همراه می شدم. یکی از کسانی که به مسجد حسینی می آمدند، استاد محمد امین حماد، مدیر رادیو در آن وقت بود. حاضرین به او گفتند: استاد، به راغب کارتی بدهید تا بتواند به رادیو بیاید و تقاضانامه ی محلق شدن به رادیو را پر کند. او هم آن جا به من کارت را داد و گفت: «فردا در ساختمان رادیو در شریفین نزد من باش.» من به مسجد امام حسین (علیه السلام) برگشتم و شیخ حلمی عرفه، سرهنگ صلاح الالفی و سرهنگ محمد الشماخ را دیدم و هر سه با رفتن من پیش مدیر رادیو موافقت کردند. مدیر رادیو از من استقبال کرد و من تقاضانامه ای

نوشتم. در تاریخ اعلام شده به رادیو رفتم تا نزد هیأت داوران امتحان بدهم. آن جا در اطرافم ۱۶۰ قاری دیدم. ایشان از این که پرسیدند سرباز بودم، متعجب شدند و بعضی از آن ها برایم آرزوی موفقیت کردند. هیأت داوران ۲ گروه بود: گروهی برای صوت و گروهی برای قرآن. به من گفتند از این قسمت بخوان: «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسيئة فلا يجزي الا مثلها و هم لا يظلمون...» به لطف خدا موفق بودم و اعضای هیأت برایم درود فرستادند و به محافظت از صدا توصیه ام کردند.

از مدت سربازی ام ۲۰ روز مانده بود و من درصدد گرفتن گواهی پایان خدمت بودم. پس از گرفتن گواهی به شهر خودم (برمه) برگشتم و با آن چه انتظار نداشتم، مواجه شدم. اهل روستا استقبال غیر منتظره ای از من کردند و می گفتند: هزار بارک الله راغب. مرا بغل کردند و نزدیک بود مرا روی گردن قرار دهند و ببرند. پرسیدم: قضیه چیست؟ گفتند: مگر خبر را نشنیده ای؟ پرسیدم: کدام خبر؟ گفتند: اسم و عکس تو با تیتیر درشت در همه ی روزنامه ها درج شده که: گروه بان قاری! خدای را سپاس که به من صبر و تحملی داد تا این خبر سعید را تحمل کنم؛ خبری که عقل و صبر نیاز داشت تا در خوشحالی افراط نکنم.

استاد راغب بیش از ۳۰ سال متوالی برای قرائت کتاب الله مجید، به کشورهای جهان از جمله ایران سفر کرد. او به این نکته ایمان داشت که این مأموریت و رسالت سنگینی است که به نحو شایسته باید آن را ادا کرد. در سال های اخیر، مانند در مصر را ترجیح می دهد تا میلیون ها نفر از

تلاوت قرآن بامدادی و روزهای جمعه و مناسبت‌های گوناگون او بهره‌مند شوند و نیز موقعیتی برای سفر دوستان او، یعنی مشاهیر قاریان به کشورهای دیگر فراهم شود.

ردیف قرائت قرآن استاد غلوش در اکثر موارد عبارت است از: بیات، رست (رصد)، سه‌گاه و حجاز. لازم به ذکر است که ایشان در زمهری قراء ترکیز خوان هستند که ترکیز ایشان نغمه رست است و به حق می‌توان گفت، ایشان در تلاوت این نغمه از توانایی هنری بسیار بالایی برخوردار است. ایشان تلاوت‌های بسیار زیبایی در شهرهای گوناگون ایران اسلامی داشته و هم‌چنین در چندین دوره به عنوان داور مسابقات بین‌المللی به ایران سفر کرده است.

از جاودانه‌های او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. استماع این تلاوت‌های ماندگار را به همی همکاران محترم توصیه می‌کنیم:

جاودانه‌ی ۱: تلاوت سوره‌های رحمان (۳۶-۹) و حاقه (۲۵-۱) به مدت ۶۰ دقیقه که در کشور مصر انجام شده و از قوی‌ترین و پرشورترین تلاوت‌های استاد است.

جاودانه‌ی ۲: تلاوت سوره‌های انعام (۱۵۹ تا ۱۶۳) و انفطار (۱) تا آخر) که شاید بتوان آن را فنی‌ترین تلاوت استاد دانست، در کشور مصر انجام گرفته و زمان آخر آن حدود ۳۰ دقیقه است.

جاودانه‌ی ۳: تلاوت سوره‌های بروج (۱۱ تا آخر)، شمس و تین که در ایران انجام شده و از معدود تلاوت‌های استاد است که به خاطر قرائت آیه‌ی شریفی‌ی تطهیر، از شور و حرارت خاصی برخوردار است.

شماره	سوره	محل تلاوت	نوع تلاوت	زمان (دقیقه)
۱	رحمن: ۹ الی ۳۴ - حاقه: ۱ الی ۲۵	مصر	مجلسی	۶۰
۲	بقره: ۱۸۹ الی ۲۰۳ غافر: ۴۱ الی ۷۷	مصر	استودیویی	۶۰
۳	انعام: ۱۵۹ الی آخر - انفطار - ضحی - انشراح بقره: ۱۸۳ الی آخر - مریم: ۲۲ الی ۳۱	مصر	مجلسی	۶۰
۴	قمر: ۴۹ الی آخر - رحمن: ۱ الی ۳۳ حجرات: ۱ الی ۱۲	مصر ایران	مجلسی	۶۰
۵	کهف: ۲۳ الی ۳۸ مریم: ۱۶ الی ۳۵ - یس: ۱ الی ۱۱	مصر	مجلسی استودیویی	۶۰
۶	یس	مصر	استودیویی	۶۰
۷	اسراء: ۱ الی ۱۵ آل عمران: ۱۲۳ الی ۱۴۶	مصر	مجلسی	۶۰
۸	فرقان: ۵۶ الی آخر اعراف: ۳۱ الی ۴۹	مصر	مجلسی	۶۰
۹	ق: ۳۷ الی آخر - فجر انفطار: ۶ الی آخر - بلد	ایران	مجلسی	۶۰
۱۰	اسراء: ۷۷ الی ۸۷ - قدر احزاب: ۳۸ الی ۵۰	ایران	مجلسی	۶۰
۱۱	زخرف: ۱ الی ۴۶ ابراهیم: ۳۱ الی ۴۱	ایران	مجلسی	۶۰
۱۲	احزاب: ۲۱ الی ۳۴ آل عمران: ۱۸۹ الی ۱۹۵ - انشراح	ایران	مجلسی	۶۰
۱۳	بقره: ۲۸۴ الی آخر نصر - نساء: ۷۶ الی ۸۱	ایران	مجلسی	۶۰
۱۴	قمر: ۴۹ الی آخر - رحمن: ۱ الی ۳۳ مریم: ۲۲ الی ۳۶ مطففین: ۱۸ الی ۲۸ - علق: ۱ الی ۸	ایران	مجلسی	۶۰
۱۵	بروج: ۱۱ الی آخر - شمس تین - بقره: ۱۹۶ الی ۲۰۳	ایران	مجلسی	۶۰
۱۶	انفال: ۲۲ الی ۲۷ نساء: ۷۶ الی ۸۷	مصر	مجلسی	۶۰
۱۷	حجرات: ۱ الی ۱۰ - بروج: ۱۱ الی آخر طارق - بلد: ۱ الی ۱۸	مصر	مجلسی	۶۰
۱۸	احزاب: ۳۹ الی ۴۸ - ق: ۳۱ الی آخر کهف: ۳۰ الی ۳۱ - علق: ۱ الی ۵	ایران	مجلسی	۶۰
۱۹	قصص: ۵ الی ۱۲ - قمر: ۴۹ الی آخر رحمن: ۱ الی ۳۰ - فجر	دبی ایران	استودیویی مجلسی	۶۰
۲۰	فتح: ۲۸ الی آخر اسراء: ۷۰ الی ۹۲	مصر	مجلسی	۶۰
۲۱	قصص: ۵ الی ۲۶ کهف: ۲۳ الی ۳۹	مصر	مجلسی	۶۰
۲۲	ابراهیم: ۳۵ الی ۴۱ - علق انشقاق - بروج - طارق - اعلی - غاشیه	ایران	مجلسی	۶۰
۲۳	اسراء: ۷۷ الی ۸۵ - حاقه: ۱ الی ۱۲ بلد: ۱ الی ۱۸ - کهف: ۱۰۷ الی آخر بلد: ۱ الی ۱۸	ایران	مجلسی	۶۰
۲۴	حجرات: ۱۷ الی ۹ - اسراء: ۸۱ الی ۸۵ علق: ۱ الی ۵ - ابراهیم: ۳۵ الی ۴۱ علق: ۱ الی ۵ - اسراء: ۷۷ الی ۸۵	ایران	مجلسی	۶۰
۲۵	نجم: ۳۱ الی ۶۲ قمر: ۱ الی ۵۰ - آل عمران: ۱ الی ۲۹	مصر	استودیویی	۶۰
۲۶	اسراء: ۱ الی ۲۴ آل عمران: ۳۱ الی ۳۷ - مطففین - علق: ۱ الی ۸	مصر ایران	استودیویی مجلسی	۶۰
۲۷	ملک - مائده: ۲۷ الی ۴۱	مصر	مجلسی	۶۰

برخی از تلاوت‌های ماندگار استاد راغب مصطفی غلوش